

## پرتره انتقادی: فریده فرجام

### Critical Portrait: Farideh Farjam

شعر فریده فرجام در مرز میان حافظه ادبی و تجربه معاصر حرکت می‌کند. در شعر او، واژه‌هایی چون «یوسف»، «کنعان»، یا مصراع‌های حافظ ظاهر می‌شوند، اما نه برای تکرار سنت، بلکه برای آمیخته شدن با خیابان، بقال محله، و ساعت چهار و نیم صبح. این آمیزه از اسطوره و زندگی روزانه، شعری می‌سازد که نه کاملاً کلاسیک است و نه صرفاً روزمره: شعری است مدرن، تصویری، و تکه‌تکه، با ریتمی که گاه از تکرار و گاه از وقفه نیرو می‌گیرد.

Farideh Farjam's poetry moves on the border between literary memory and contemporary experience. In her poems, words like 'Yusuf,' 'Canaan,' or lines from Hafez appear, but not to repeat tradition — rather to merge with the street, the neighborhood grocer, and four-thirty in the morning. This blend of myth and daily life creates a poetry that is neither fully classical nor merely colloquial: it is modern, visual, and fragmented, with a rhythm powered sometimes by repetition, sometimes by silence.

نکته کلیدی در شعر فرجام، زن حاضر در متن است. اوست که مصرع حافظ را می‌خواند: «یوسف گم‌گشته باز آید ز کنعان غم مخور». این بار، حافظ از دهان زن شنیده می‌شود، نه از زبان مردان سنتی یا مفسران رسمی. زن، هم حامل امید است و هم حامل بدن: با زلف آشفته و خوی کرده در کوچه می‌دود. همین جابه‌جایی، اسطوره را از انحصار سنت آزاد می‌کند و به تجربه زنانه امروز پیوند می‌زند.

A key element in Farjam's poetry is the presence of the woman in the text. It is she who speaks the line of Hafez: 'Joseph, lost, will return from Canaan — grieve not.' This time, Hafez is heard through the mouth of a woman, not through the voices of traditional men or official interpreters. The woman is both bearer of hope and bearer of the body: with loosened hair, and damp with sweat, she runs in the street. This shift frees the myth from the monopoly of tradition and links it to contemporary female experience.

فرجام در کنار شاعران جوان امروز ایستاده است، اما تفاوت مهمی دارد: او از حافظه جمعی و سنت شعری فارسی عبور می‌کند تا به زبان پاره‌پاره و مدرن برسد. بسیاری از شاعران نسل جدید به زبان روزمره و تجربه شخصی متکی‌اند؛ در حالی که فرجام، با استفاده از شگردهای بصری و ریتمیک، پلی می‌زند میان حافظ و حافظه فرهنگی با شعر معاصر جهانی.

Farjam stands alongside today's younger poets, yet with an important difference: she passes through the collective memory and poetic tradition of Persian to reach a fragmented, modern language. Many of the new generation rely on colloquial speech and personal experience, while Farjam, using visual and rhythmic techniques, builds a bridge between Hafez and cultural memory and contemporary world poetry.

شعر فریده فرجام را می‌توان شعری مدرن، بصری و چندلایه دانست؛ شعری که در آن زن نه فقط معشوق یا نشانه، بلکه صدای خواننده، پرسشگر، و حامل امید است.

Farjam's poetry can be seen as modern, visual, and multilayered; a poetry in which the woman is not merely a beloved or a symbol, but the voice of the singer, the questioner, and the bearer of hope.